



قطعات عالی نستعلیق

جام گیتی نما،

گزیده آثار اسفندیار ستاریور

نشر اندیشه کامیاب

«جام گیتی نما» دربردارنده‌ی ۴۰ اثر خوشنویسی است که ۲۴ قطعه آن شامل آثار جلی نگاری و ترکیب‌بندی عبارات دینی و اشعار می‌باشد. ۱۴ اثر نیز در قالب آشنای چلیپا به نگارش درآمده و ۲ سیاه مشق نیز در لابلاهی قطعه‌ها خودنمایی می‌کند. تمام قطعات مندرج به جز یک قطعه توسط تذهیب‌کاران حاذق به شمایل گل و برگ و اسلیمی و لچکی و بته و شمشه زینت داده شده‌اند و از این منظر هم‌نشینی بین خط و تذهیب در این قطعات به خوبی میسر شده است.

مقدمه یک صفحه‌ای و کوتاه این مجموعه از استادعباس اخوین است که خطوط جام گیتی نما به لحاظ شیوه و سبک کار هیچ‌گونه قرباتی با شیوه‌ی استاد اخوین ندارد و بر این اساس مطالب مقدمه بسیار کلی و درباره‌ی خط و خوشنویسی است. هم‌چنین به این که خوشنویس این اثر چه ویژگی‌هایی را در

کار آورده، هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده و فقط آمده که این مجموعه «حاصل سال‌ها تلاش و مداومت در مشق و بهره‌مندی از استادان گذشته و حال است» و این در حالی است که در آثار آقای ستاریور هیچ ردپایی از استادان گذشته‌ی خط دیده نمی‌شود و آنچه در این قطعات خود را به بیننده اهل فن آشکار می‌کند دل‌بستگی زایدالوصف حروف و مفردات و ترکیبات و کلمات وی به سبک و شیوه‌ی پرترفدار استاد غلامحسین امیرخانی است که ستاریور با کوششی قابل توجه به اجرای مجدد قطعات ایشان دست زده و انصافاً در برخی موارد به حریم هنری استاد و قوت قلم ایشان نزدیک شده است.

اسفندیار ستاریور در ترکیب‌بندی این مجموعه به شدت وامدار استاد امیرخانی هستند و این نکته حاکی از آن است که با سعی و ممارست برای این انطباق دل و قلم و با دل و قلم استاد امیرخانی متحمل چه زحمات طاقت فرسایی شده‌اند. قطعات صلوات (ص ۶)، ولاتحسین... (ص ۷)، علی مع‌الحق (ص ۹)، علی ولی... (ص ۲۸)، ولاتقف (ص ۲۶) و موارد دیگر حکایت از بازنویسی چندین باره و مستمر آثار طراز اول استاد امیرخانی است که در برخی موارد آینه نقش را به زیبایی اصل آن تجلی داده است. لازم به ذکر است ستاریور نام متواضعانه‌ای به نام «عبدا...» را در ذیل قطعات خود اجرا می‌کند.

چلیپاهای زیبا و وزین ستاریور نشانگر همان طراوت شیوه‌ی امیرخانی است و مقاومت و استقامت قلم وی را در اجراهای مکرر دوایر گواهی می‌دهد. این مواردی است که فقط در سایه‌ی کثرت مشق میسر می‌شود و سرمایه ستاریور در این راه نَفَس گیر، چیزی جز سختکوشی نبوده است. افسوس مجموعه‌ای که می‌بایست حداقل در کنار مقدمه استاد اخوین اظهار نظر فنی استاد امیرخانی را در پیشانی خود داشته باشد، از این توفیق بی‌بهره است و حیف از این سیاه مشق‌ها که در کنار آنها می‌شد روایت امیرخانی را درباره آنان به نظاره نشست. چلیپاهای صفحات ۱۴ و ۱۵ و موارد مشابه، پاکیزه‌نویسی و تسلط همه‌جانبه‌ی ستاریور را به نمایش گذاشته و اندام پُر دور و پر جنبش کلمات و توزیع زیبای کشیده‌ها کمک کرده که عیار چلیپا به چشم نوازی آن کمک شایانی کند.

ستاریور با وجود این که شاگرد مرحوم افشاری (ره) بوده، اما در کنار خوشنویسانی چون حسین غلامی و محمد علی قربانی شیوه استادامیرخانی را با عشق و علاقه برگزید و اکنون کتاب جام گیتی نما نشان می‌دهد که در این آزمون یعنی جذب نکته‌ها و لطافت خط امیرخانی توفیق یافته است. شاید اگر استاد امیرخانی در اظهار نظری قائل بود که هم اکنون ۲۰ تا ۲۵ نفر خط نستعلیق را در نهایت کمال می‌نویسند به اعتبار همین قطعات می‌بایست اسفندیار را در انتهای این فهرست نه چندان بلند برای کشوری بزرگ و نستعلیق نویس قرار دهیم.